د) شرائط رویت پذیری هلال و امکان تشکیل هلال در وقت مقارنه

استاد: همین سؤالی است که الآن میخواستم بگویم. ببینید وقتی حضرت فرمودند طلوع را نگاه کنید، وقتی نگاه میکنیم منظر و دید ما نسبت به افقی که طلوع میکنند با آن چیزی که واقعیت جرم قمر و شمس است، تفاوت دارد؛ در اینکه قمر از حیث مدار خودش چند درجه عرض دارد؟ وقتی کسوف و خسوف نشود عرض دارد. وقتی این سؤالات را نگاه میکنید این سؤالات ساده پدید میآید. الآن لحظهای است که صبح وقت طلوع ما است، دارد خورشید طلوع میکند. فرض گرفتیم وقت طلوع ما، وقت مقارنه هم هست. الآن طوری است که وقتی خورشید بیرون میآید، آیا همان وقت هم ماه بیرون میآید یا نه؟

شاگرد: بله، اگر مقارنه است، با هم بیرون میآیند.

استاد: این خیلی مسلم نیست. دو-سه جلسه قبلاً صحبت شد. اینکه ما میگوییم شمس و قمر هر دو ساعت یک درجه میرود، درجه را در منطقة البروج میگوییم، و حال اینکه زاویه جدایی بین قمر و شمس ربطی به درجهای که میرود ندارد. سه-چهار چیز است که باید با هم دخیل شوند. چه بسا در وقت مقارنه ما زاویه جدایی داریم، یعنی بین شمس و قمر فاصله است، ولو در مقارنه باشند، و اگر این فاصله طوری باشد که به پنج درجه برسد؛ کما اینکه صفحه مداری ماه، حدوداً پنج درجه از منطقة البروج انحناء دارد. اگر به پنج درجه برسد حد دانژون محقق است. یعنی با اینکه قمر در محاق است، اگر به جایی بروید که بتوانید نگاه کنید، امکان اینکه حتی عند المقارنه - محاق محض نیست - میتوانید آن را ببینید. اینها سؤالات فنیای است که از بحث استظهار باز میمانیم. فعلاً این باشد تا به آن برسیم.

شاگرد: در مقارنه، قمر و شمس در صفحه موازات افق قرار دارند، لذا باید با هم طلوع کنند.

استاد: مانعی ندارد، این یک نگاه است.

شاگرد۲: هشت دقیقه اختلاف در رسیدن نور شمس به زمین در اینجا تأثیری ندارد؟ یعنی مقارنه را با اصل جرم حساب میکنند یا با این نوری که به ما میرسد؟

استاد: در آن بحثها عرض کردم که یک مقارنه ی اقتران مرکزی داریم، یک اقتران سطحی. آن هم در اینجا دخیل است. روایت سطحی را میگوید. چون ما داریم نگاه میکنیم و میخواهیم طلوع ها را ببینیم. اتفاقا این روایت دال بر یک نوع تسهیل و مسامحه در احکام شبانهروز است؛ در برچسب زنی اینکه امشب شب اول است یا روز اول است. این هم از آن هایی است که گفتم باشد. فعلاً میخواهیم ببینیم کلمات فقها در روایت، کدام اظهر است. الآن زحمت کشیدهاند از عبارات

مرحوم خواجوی هم گذاشته‌اند. ایشان هم شش احتمال کرده‌اند. حالا بخوانیم تا ببینیم چه فرق هایی دارند.

شاگرد۲: وقتی شما روایت را ترجمه می‌کنید قبول دارید که «وه هاهنا هلال جدید» یعنی واقعاً هلال هست، نه اینکه فردا قبل از ظهر هلال باشد؟ به این مناسبت بگویم ماه جدید است.

استاد: من می‌گویم واقعاً هلال هست اما هلال فی علم الله. نه هلالی که شما نتوانید از عجزتان آن را ببینید.

شاگرد: «هاهنا» را می‌توانیم مغرب نگیریم، بگوییم به‌معنای «هناک هلال» است؛ یعنی هلال هست. نه اینکه به‌معنای «آن جا در مغرب» باشد.

شاگرد۲: وقتی در مقابل «مشرق»، «هاهنا» را می‌گویند یعنی مغرب.

استاد: دیروز آقا می‌فرمودند اولین باری که این حدیث را خواندم قول پنجم منسوب به دایی آقا رضی به ذهنم آمد. البته من یک چیزی عرض کردم ولی احتمالی است. یعنی گفتم وقتی آدم با این مراوده انس بگیرد به این صورت به ذهنش می‌آید. ولی بعد گفتم از کجا معلوم که چنین حرفی را زده باشند. حتی اگر هم انس داشتید وقتی نگاه می‌کردید چه بسا همان معنا به ذهن می‌آمد. نزدیک این معانی که شما فرمودید، دو مورد دیگر خواجوی دارند. الآن می‌خوانیم. آن هم جالب است.

بازبینی #1
ایجاد شده 26 آوریل 2026 14:03:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 آوریل 2026 14:20:45 توسط ... .